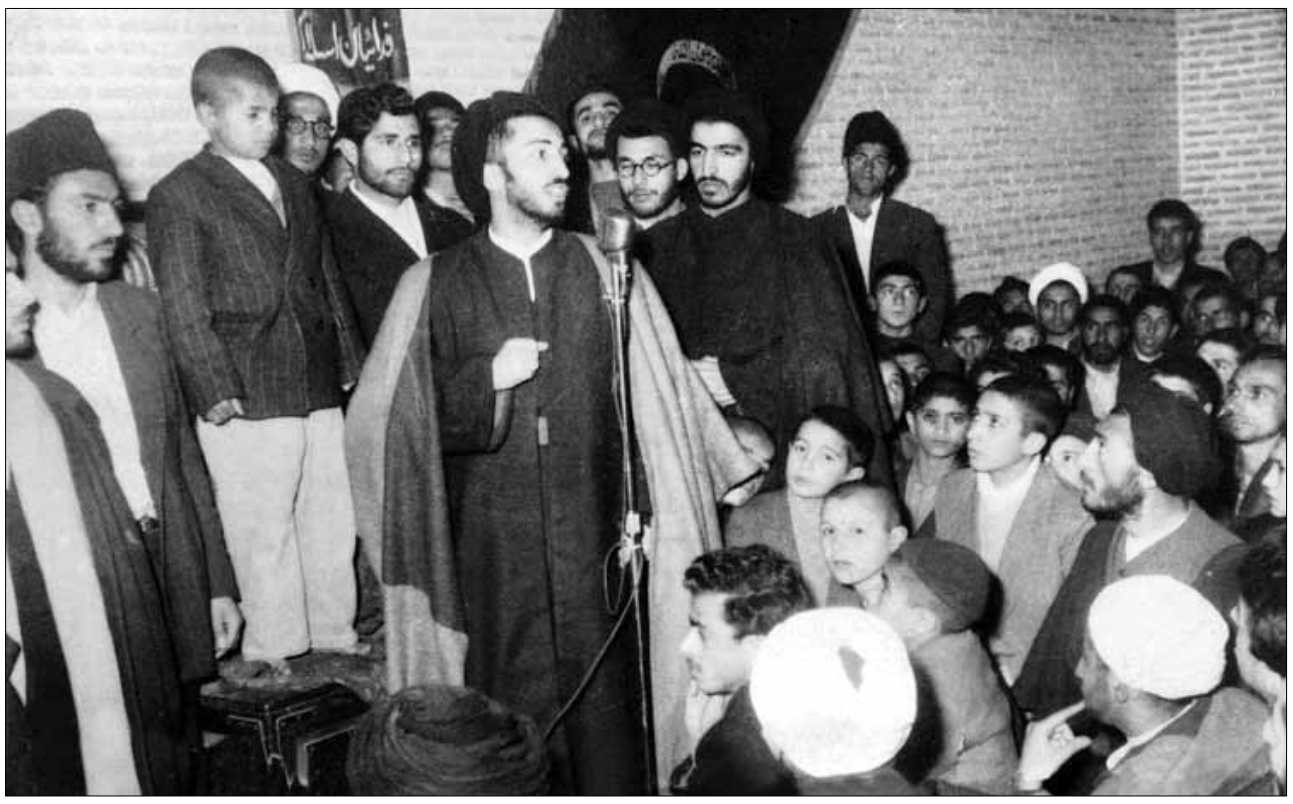

بررسی نقش شهید نواب صفوی و یارانش در پیروزی نهضت ملی نفت

فداییان اسلام، حافظان ملت

■ داوود امینی ■

فداییان اسلام، جنبشی مذهبی، ضداستعماری و ضداستبدادی بـود. ایـن جنبش، برای مبارزه همزمان با اسـتبداد و اسـتعمار در کشورمان ظهور کرد. ملی شدن صنعت نفت در ایران، اساساً جنبشی ضداستعماری بود، زیرا استعمار انگلستان عمده سیاست‌های خود را از طریق شرکت نفت در ایران پیش می‌برد. همچنین منافع سرشار نفت ایران، پشتوانه اقتصادی برنامه‌های استعماری انگلستان بود. سبب اهمیت یافتن جنبش نفت ایران در جهان نیز همین بود. نواب صفوی و فداییان اسلام بُعد ضداستعماری جنبش نفت را به خوبی درک کرده بودند. به همین سـبب، نقش فداییان اسلام به رهبری نواب صفوی، در نهضت ملی شدن صنعت نفت، بسیار اساسی و برجسته است و از همین منظر قابل بررسی است. فداییان اسلام در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت با انگیزه قطع دست عاملان سرسپرده انگلیس، به میدان مبارزات سیاسـی آمد و با قتل هژیر و رزم‌آرا، ۲ عنصر وابسته به انگلستان، زمینه ملی شدن صنعت نفت را فراهم کرد. اعضای این جنبش با قتل هژیر، عامل تقلب در انتخابات مجلس شانزدهم، زمینه ورود آیت‌الله کاشانی، دکتر مصدق و اعضای جبهه ملی را به مجلس فراهم آوردند. سپس با از میان برداشتن رزم‌آرا، مانع اصلی ملی شدن صنعت نفت، موجب تصویب قانون ملی شدن نفت در مجلس شدند. بی‌تردید اگر این فداکاری‌ها و اقدامات انقلابی و شجاعانه نبود، نفت ملی نشده و دست استعمار انگلیس از نفت ایران کوتاه نمی‌شد. در این نوشتار به بررسی نقش نواب صفوی و جمعیت فداییان اسلام در پیروزی نهضت ملی نفت پرداخته و نتایج حذف ۲ مهره انگلیس، هژیر و رزم‌آرا و بازتاب آن در داخل و خارج کشور بررسی شده است.

■ **مجلس شانزدهم و قتل هژیر**

قرار بود در سـال ۱۳۲۸، انتخابات دوره شانزدهم مجلس برگزار شود. از آنجا که رژیم برای تصویب لایحه تمدید بهره‌برداری انگلستان از منابـع نفتی ایران، نیاز به یک اکثریت قـوی مدافع لایحه و عدم حضور نمایندگان مخالف در مجلس داشت، توسط هژیر در صندوق آرای انتخابات این دوره دسـت برد. با این تقلب آشکار در انتخابات، آیت‌الله کاشـانی و اقلیت مخالف دولت، از حضور در مجلس محروم شدند. به دنبال این حوادث، فداییان اسلام تصمیم گرفتند با یک عمل انقلابی عبدالحسین هژیر را ـ که بعد از تیمورتاش قدرتمندترین وزیر دربار بود ـ به جرم تقلب در انتخابات و ایجاد مانع در پیشبرد اهداف نهضت ملی اعدام انقلابی کنند. به همین منظور پس از برنامه‌ریزی، شهید سیدحسین امامی طی مأموریتی از سوی فداییان اسلام، موفق شـد هژیر را در مسجد سپهسـالار، مورد هدف گلوله قرار داده و به زندگی‌اش خاتمه دهد.

■ **تقابل نمایندگان مجلس شانزدهم و رزم‌آرا**

با قتل هژیر و وارد شدن ۸ تن از نمایندگان واقعی ملت به مجلس، نهضت ملی جان تازه‌ای گرفت. در این موقع رژیم که در موضع ضعیفی قرار گرفته بود تصمیم داشـت مرد پرقدرتـی را روی کار بیاورد. لذا منصور استعفا کرد و سپهبد «حاجیعلی رزم‌آرا» برای سرکوب نهضت ملی بر سر کار آمد. با انتخاب رزم‌آرا به نخست‌وزیری، رسانه‌های بیگانه و مطبوعات معتبر آمریکا و دیگر کشورهای استکباری، شروع به تعریف و تمجید از وی کردند. روزنامه «نیویورک‌تایمز» نوشت: «رزم‌آرا این لیاقت را دارد که برای جلوگیری از متلاشـی شـدن و تجزیه ایران حکومـت دیکتاتوری برقرار کند». خبرگزاری «رویترز» هم انتخاب رزم‌آرا را سرآغاز تاریخ جدیدی در دولت‌های ایران خواند و او را مردی مقتدر، تحصیلکرده، آشنا به زبان‌های انگلیسی و روسی و متخصص در امور جغرافیای نظامی معرفی کرد و پیش‌بینی کرد وی بتواند مشکلات برنامه ۷ سـاله و موضوع کمک آمریکا به ایران را حل کند. با اینکه انتخابات مجلس شـانزدهم به سود جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی بود و بی‌تردید در این رخداد جمعیت فداییان اسلام نقش بسزایی داشت اما در پی کارشـکنی‌های عوامل دربار و انگلیس در قضایای نهضت ملی شـدن صنعت نفت، رفته‌رفته روحیه یأس و انفعال در سیمای نماینـدگان جبهه ملی که مبـارزات را در چارچوب پارلمان رهبری می‌کردند، هویدا شد. در همین زمان چرچیل، نخست‌وزیر انگلستان با تحلیل وقایع ایران می‌گوید: «من عقیده داشتم مقدمات حمله به ایران باید با دقت بیشتری صورت گیرد. در نامه‌ای به رؤسای ستادهای مشترک نوشتم: ممکن اسـت دولت ایران ناگهان کارمندان ما را در شرکت نفت توقیف کرده، به‌عنوان گروگان نگاه دارد یا قوای ایران مرکز نفت و پالایشگاه‌ها را اشغال کرده، در صورت حمله ما ویران و منهدم کنند یا قبایل علیه ما وارد جنگ و شورش شوند. به هر حال باید دقت کنید که ما غافلگیر نشویم». در چنین اوضاع و احوالی، رزم‌آرا در پی به تصویب رساندن قرارداد گس- گلشائیان در مجلس بود. رزم‌آرا در مجلس در سخنانی در مخالفت با ملی کردن صنعت نفت گفت ایرانی نمی‌تواند لولهنگ [آفتابه] بسازد و از اداره یک کارخانه سیمان ناتوان است؛ چطور می‌تواند صنعت نفت را اداره کند. او ملی کردن نفت ایران را بزرگ‌ترین خیانت خواند.

■ **هدایت رزم‌آرا از سوی انگلیس**

طبق اسناد موجود، سفیر انگلیس در ایران به منظور القای ناتوانی ایران در اداره صنعت نفت، پرسش‌هایی به رزم‌آرا داد تا پاسخش را از وزارت خارجه و وزارتخانه‌های دیگر دریافت کرده و ارائه دهد. این امر، نشانگر شدت وابستگی رزم‌آرا به انگلیس بود. این پرسش‌ها در زمینه موضوعات اساسی سیاسـی- اقتصادی مرتبط با صنعت نفت طرح شده بود. تأثیر همین سوالات را در نطق رزم‌آرا در مجلس، می‌توانیم مشاهده کنیم. سفیر انگلیس پرسیده بود:

۱ـ آیا مهندسان معدن‌شناسی ایرانی به قدر کفایت هستند که بتوانند موقعیت و محل چاه‌های نفت را ترسیم و نقشه‌برداری کنند؟

۲ـ بـر اثر ملی کردن صنعت نفت قیمت تولید و حجم بازار آن چه خواهد شد؟

۳ـ چقدر متخصصان ایرانی و خارجی از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران استخدام شده‌اند و این نسبت را چگونه می‌توان با شرکت نفت ایران مقایسه کرد؟

این پرسـش‌ها نشان می‌دهد دستگاه سیاست خارجی انگلیس، تلاش داشت توان تخصصی و روحیه خوداتکایی ایرانیان را پایین آورده و زمینه را برای حضور همیشگی کارشناسان خود و شرکت‌های وابسته نفتی این کشور هموار سازد. سفیر سیاسی انگلیس نیز از ناپسند بودن الغای یکجانبه قرارداد و تضعیف و یا قطع روابط بین ایران و انگلیس سوال کرده و پرسیده بود: «آیا سیاست پسندیده‌ای است که از الغای یکجانبه قرارداد دفاع کـرده و روابط بین ایران و انگلیس را تضعیف کرد؟» سفیر انگلیس با این سوال به این نکته اشاره ندارد که قرارداد مذکور یکجانبه و استعمارگرانه و به سود انگلیس بوده و نفعی برای ایران در بر ندارد. سـفیر انگلیس از تأثیرات مستقیم نفت بر اقتصاد پرسیده و سوال می‌کند:

۱ـ چند عائله مسـتقیم یا غیرمسـتقیم از صنعت نفت اعانه می‌نمایند؟

۲ـ چه مقـدار درآمد نفتی باید در سـال‌های ۲۹-۱۳۲۸ از قرارداد الحاقی عاید ایران شود؟

۳ـ در صورت ملی کردن صنعت نفت با چه مبلغی می‌توان خسارت شرکت نفت را جبران کرد؟

۴ـ آیا دولت ایران موفق به گرفتن قرضه شده و ربح آن از چه طریقی تضمین می‌شود و سرمایه‌ای که باید صنعت نفت را به کار اندازد، از چه منبعی به دست خواهد آمد؟

سفارت انگلیس با طرح این پرسش‌ها می‌خواهد از سویی راه‌های تحت فشـار قرار دادن اقتصاد ایران را به رزم‌آرا، نخست‌وزیر گوشزد کند و از سـوی دیگر با نقایص و ضعف‌های اقتصادی که خودشـان برای کشورمان ایجاد کرده‌اند این باور را بپروراند که ایران هیچ راهی جز وابسـتگی به انگلیس ندارد. کما اینکه پس از ملی شدن صنعت نفت، از هیچ اقدامی برای ایجاد مانع بر سـر راه اسـتخراج و حمل و فروش نفت، بلوکه کردن سرمایه‌های ایران نزد بانک‌های این کشور و توقف کشـتی حامل نفت ایران و نیز جلوگیری از کمک‌های مالی و پرداخت وام به کشورمان دریغ نکرد. انگلستان به هر طریقی دولت ملی را در فشـار و تنگنای اقتصادی قـرار داد و در نهایت هم وقتی کشور را در تصمیم اجرای قانون ملی شدن نفت مصمم دید، از طریق آمریکا زمینه کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ را فراهم آورد. در سـندی دیگر یادداشـت‌هایی از ملاقات‌های رزم‌آرا با شاه موجود است که نشانگر تلاش رزم‌آرا با هماهنگـی عوامل انگلیس برای گرفتن قول انحلال مجلس است. تلگرامی هم از وزارت خارجه انگلیس به سفیرکبیر این کشور در ایران مخابره شده است که در آن به جلسات وزرای انگلیسی برای بررسی طرح او مبنی بر همراهی با رزم‌آرا اشاره شده است. در این تلگرام راهکارهای لازم برای طرح مساله از سوی رزم‌آرا در مذاکراتش با کمیسیون نفت ارائه شده است. دولت انگلستان بر ارتباط گسترده و فشار سفیرکبیر این کشور به رزم‌آرا و شاه برای پذیرش نظر آنان در غیرقانونی دانستن ملی کردن صنعت نفت، تأکید کرده بود. علاوه بر آن در گزارش عملیات شرکت نفت که به مرکز شرکت در لندن ارائه شده بود، از نحوه تأثیرگذاری بر افکار عمومی در ایران و تماس نماینده این شرکت با ادارات دولتی و اعضای هیأت دولت سخن گفته شده است. ضمن آنکه از ملاقات‌های پی در پی با نخست‌وزیر رزم‌آرا و وزیر دارایی و شـخص شاه درباره مساله نفت، پرده برداشـته شده است. در این گزارش دفاع فروهر از قرارداد الحاقی را در نتیجه تماس‌های کارکنان وابسـته شرکت نفت با او دانسته‌اند. حتی محتوای سخنان رزم‌آرا در جلسه کمیسیون نفت در تاریخ ۱۳۲۹/۱۲/۱۲ نیز از نظریات تلقینی متخصصان شـرکت نفت خوانده شده اسـت. بنابراین، تأثیرپذیری شدید رزم‌آرا از انگلیس، باعث تقویت نظر نمایندگان جبهه ملی شد و اکثریت نمایندگان به تدریج به دیدگاه‌های کمیسیون نفت و نهضت ملی نزدیک شدند. افزایش مخالفت‌ها در مجلس علیه دولت، رزم‌آرا را به فکر انحلال مجلس انداخت و برای این کار به شاه متوسل شد که با پاسخ منفی او مواجه شد. نفت مهم‌ترین موضوع دولت رزم‌آرا بود و از اهمیتی حیاتی برای دولت انگلستان برخوردار بود. رزم‌آرا در وهله اول تکلیف داشت مساله قرارداد الحاقی را به نحوی فیصله دهد. بنابراین دولت سعی داشـت با طولانی کردن ارائه طرح قرارداد الحاقی آن را کم‌اهمیت جلوه داده به تصویب مجلس برساند. اما در این میان اعضای جبهه ملی حاضر در مجلس تهدید کردند در صورت نفرستادن پرونده نفت به کمیسیون نفت، دولت را استیضاح خواهند کرد. سرانجام هم پـس از مدتی اتلاف وقت، وزیر دارایی پرونده را به کمیسـیون نفت ارسـال کرد. با تلاش نمایندگان جبهه ملی کمیسیون نفت قرارداد الحاقی را رد کرد و گزارش آن هم تقدیم مجلس شد. مجلس شورای ملی هم ۲۶ آذر ۲۹ گزارش کمیسیون نفت را تصویب کرد. رزم‌آرا که از این اوضاع نگران شده بود، برای اینکه دوباره ابتکار عمل را به دست بگیرد، در یک نطق، ایرانیان را به بی‌لیاقتی و بی‌سوادی متهم و عنوان کرد ایرانیان حتی نمی‌توانند یک کارخانه سـیمان را اداره کنند. این یک اشتباه تاریخی از سوی رزم‌آرا بود. متعاقب آن غلامحسین فروهر، وزیر دارایی هم از ترس رد قرارداد الحاقی آن را از مجلس پس گرفت.

■ **هشدار فداییان اسلام به انگلیس و رزم‌آرا**

حدود ۵ ماه پس از آغاز نخست‌وزیری رزم‌آرا، کمیسیون ۱۸ نفری مجلس به ریاست دکتر مصدق، قرارداد گس- گلشاییان را رد کرد و موضوع ملی شدن صنعت نفت ایران در مجلس مطرح شد. با طرح مساله در مجلس، نهضت ملی نفت وارد مرحله جدیدی شد و فداییان اسلام هم بر شدت مبارزات ضدانگلیسی نهضت افزودند. متعاقب آن سیدعبدالحسین واحدی در اجتماع مردم و اعضای جمعیت در ۲۴ اسفند ۲۹، در مسجد سلطانی اعلام کرد: «ما به یاری خدا با هر کس که قصد کوچک‌ترین تجاوزی نسبت به حقوق حقه و بیت‌المال مسلمین را داشته باشد، با خون خود خواهیم جنگید. حال طرف ما می‌خواهد رجال نالایق حکومت باشد یا روس و انگلیس و آمریکا». عبدالحسین واحدی که در این زمان طی سخنرانی‌های مفصل به بیان دیدگاه‌های فداییان اسلام نسبت به جریان نهضت ملی نفت می‌پرداخت، در یکی از مجالسش به رزم‌آرا، رئیس دولت و اربابان او هشدار داد که آنان هرگز نخواهند توانسـت این جمعیت مقدس را از عقیده و عزم راسخ خود منحرف سازند. سیدعبدالحسین واحدی ضمن ارائه عکس سیدحسن امامی در این مجلس و معرفی او به‌عنوان «شهید راه حق و عدالت و الگوی مبارزاتی فداییان اسلام» نمایندگان مجلس را تهدید کرد اگر به ملی شدن صنعت نفت رأی موافق ندهند به دست فداییان اسلام نابود خواهند شد. واحدی در اجتماع مردم و فداییان اسلام در مسجد شاه، به انگلیس و روس و آمریکا و وابستگانشان در داخل هشدار داد: «ما با همه ایادی اجانب، از جمله روس و انگلیس و آمریکا که بخواهند در ایران مداخله داشته باشند مبارزه می‌کنیم و تا پیروزی بر آنان راه خود را ادامه می‌دهیم». او به‌عنوان جانشین رهبر فداییان اسلام در این سخنرانی با صراحت بیان داشت: «من نمی‌دانم این انگلستان از ما چه می‌خواهد؟ یک قرن است از تصدق سر اسلام، کشورش را پیشرفت داده و از فقر و فلاکت نجات پیدا کرده است. حالا قدرت خیالی برای خود ساخته و می‌خواهد ملل اسلامی را مرعوب سازد ولی انگلستان بداند که این تو بمیری از آن تو بمیری‌ها نیست و به قول داش‌غلوم‌ها، این شش عباسی غیر از آن یک قران و یک عباسی است. انگلستان! همین اندازه که خوردی و دزدیدی کافی است؛ اگر می‌خواهی بیش از این با قهر و خشم ملت مسلمان غیور مواجه نشوی، هرچه زودتر بساط نیرنگ خود را از ایران بیرون ببر. انگلستان برو! و در رفتن هم تعجیل کن. ملل به اصطلاح مقتدر بیگانه بدانند که دیگر با سرنوشت ایران نمی‌توان بازی کرد. دیگر نمی‌توان آذربایجان را از ایران منفک ساخت و با بساط خودمختاری، شعائر ملت اسلامی را به بازی گرفت. نفت ما خون ماست و ما با خون خود، در راه گرفتن این مایه حیاتی خواهیم جنگید. وکلای مجلس باید با یک تصمیم قطعی، به ملی شدن صنعت نفت رأی داده و دست انگلستان را برای همیشه از این چشمه حیاتی ملت ایران کوتاه کنند». نشریه «نبرد ملت» که در آن زمان ناشر افکار فداییان اسلام بود، در سرمقاله‌ای به تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۲۹ چنین نوشت: «حاج‌علی‌خان (رزم‌آرا) هم به سوی قربانگاه نفت می‌رود».

او سـپس این سخن را چنین تشـریح کرد: «ما اجازه نمی‌دهیم تیمسار رزم‌آرا و هر فرد دیگری که سنخ عملش نظیر او باشد، چپاول و غارتگری دولت انگلستان را تثبیت و قانونی نماید. تیمسار رزم‌آرا به خاطر اینکه از سقوط حتمی خود جلوگیری کند، دست توسل به اجنبی دراز کرده اسـت و دارایی ملت ایـران را برای زمامداری خود به اجانب سپرده است. رزم‌آرا مگر نفت را ملک طلق خود می‌داند که می‌خواهد آن را با اجانب معامله کند. انگلیسی‌ها، مسؤول زمامداری رزم‌آرا هستند و نمی‌توانند آن را به گردن آمریکا بیندازند. انگلیسی‌ها و رزم‌آرا باید بدانند نفت، خون ملت ایران اسـت و ملت ایران هم دیگر حاضر به پذیرش ادامه غارتگری آنان نیست. تیمسار رزم‌آرا باید بداند در این راه شکست از ملت را تجربه خواهد کرد». رزم‌آرا همچنان با فشار دولت انگلستان بر آن بود تا بتواند از طریق آمریکا شاه را وادار کند تا مجلس را ملزم به تصویب قرارداد گس ـ گلشاییان سازد. لیکن این عمل او با مقاومت مردم و مجلس مواجه شده بود. به همین جهت تصمیم گرفت با نامزد کردن دکتر طاهری برای ریاست مجلس، همان خواسته انگلیسی‌ها را از این طریق عملی کند. تلاش فراوان او برای برگزیده شدن دکتر طاهری به ریاست مجلس شورای ملی هم در همین راستا صورت گرفت.

■ **ترور رزم‌آرا و حمایت همه نیروها از آن**

تلاش سرسختانه رزم‌آرا برای فریب مجلس و مخالفانش، با قصد حل مساله نفت به شیوه دلخواه خودش سبب شد جبهه ملی، فداییان اسـلام و آیت‌الله کاشانی بیش از پیش به هم نزدیک شوند. با انتشار اعلامیه آیت‌الله کاشانی در روز هفتم دی ماه ۱۳۲۹ تظاهراتی عظیم در تهران برپا شد. در این گردهمایی دکتر فاطمی، بقایی و دیگران به نکوهش موضع دولت درباره نفت و انتقاد از اظهارات توهین‌آمیز رزم‌آرا در مجلس پرداختند. در واقع مبارزات پارلمانتاریستی و حزبی که در آن آیت‌الله کاشانی و جبهه ملی نقش اساسی داشتند، نتوانسته بود از پیشروی جناح دربار، انگلستان و آمریکا جلوگیری کند و آنان حل مشـکل نفت و خروج از این بحران را تقریباً غیرممکن می‌دانستند. بنابراین طرح قتل رزم‌آرا در دستور کار قرار گرفت. عده‌ای از اعضای جبهه ملی در ملاقات‌هایی با نواب صفوی در منزل حاج محمود آقایی اظهار داشـتند: «رزم‌آرا خار نهضت است. شما اگر بتوانید رزم‌آرا را از سر راه بردارید، ما حکومت اسلامی اعلام کرده و نفت را ملی خواهیم کرد». در این جلسه نواب صفوی با دلیل و برهان اعضای جبهه ملی را متقاعد کرد که برای پیشرفت در مبارزه با اجانب خصوصاً انگلیس چاره‌ای جز نبرد قهرآمیز با آنها از طریق مبانی و اصول اسلامی نیست و «اگر از این راه پیش برویم، پیروزیم و در غیر این صورت شکسـت خواهیم خورد». تنها شرط نواب برای برداشتن رزم‌آرا از سر راه، عمل به اوامر و نواهی دینی بود. وی در این ملاقات به افراد جبهه ملی گفت: «آقا جون، فرض رزم‌آرا رفت. فردا دو مرتبه مسـاله‌ای پیش نیاید که حالا بگذار باشد برای بعد. مساله فرهنگ رأس همه اینهاست. بعد از مساله نفت، فرهنگ را باید خیلی در آن دقت کنید. چون این فرهنگ، یک فرهنگ اصیلی نیست، فرهنگ استعماری است. از اینجا حداقل باید شروع کنیم». این شرط نواب، مورد پذیرش اعضای جبهه ملی حاضر در جلسـه قرار گرفت و آیت‌الله کاشانی هم بعدا با آن موافقت کرد. بر مبنای چنین قول و قرارهایی بود که فداییان اسلام، با هدف برقراری حکومت دینی و بسترسازی برپایی جامعه اسلامی زمینه از بین بردن رزم‌آرا را فراهم کردند. با چنین توافقی بود که نقشـه قتل رزم‌آرا از سوی فداییان اسلام به اجرا درآمد و رزم‌آرا در مجلس ترحیم آیت‌الله فیض، در مسجد شاه کشته شد.

■ **مواضع آیت‌الله کاشانی در قتل رزم‌آرا**

با کشـته شدن نخست‌وزیر، خلیل طهماسبی، عامل قتل رزم‌آرا بازداشت شد. بلافاصله پس از بازداشت طهماسبی، شبنامه‌ای از طرف فداییان اسـلام منتشر و توزیع شد. در آن نوشته شده بود: «درود بر این برادر شـجاع ما که یـک خائن را نابود کـرد.» و در آخر آن هم هشـدار داده شـده بود: «وکلای خیانتکار مجلس بدانند که اگر در رد قرارداد نفت ایران و انگلیس سسـتی نشان بدهند، با چند مثقال سـرب داغ، مانند رزم‌آرا به زندگی ننگین آنان خاتمه داده و به عمق جهنم روانه خواهند شد.» بعدها نواب صفوی در برگ بازجویی خود درباره معاونان و تجویزکنندگان قتل رزم‌آرا و اینکه رزم‌آرا دست‌نشانده انگلیس بوده است، چنین نوشت: «رأی و تجویز کردن آقای کاشانی و آقای دکتر مصدق‌السلطنه، علنی و صریح بود. نسبت به اینکه تیمسار سـپهبد رزم‌آرا را باید از بین برد و دست انگلیسی‌هاست، مثل اینکه آقای دکتر مصدق‌السلطنه صراحتاً در مجلس بیان کردند؛ در پشت تریبون مجلس و به اضافه رأی ایشان با جبهه ملی و آقای کاشانی در این باره یکی بود و آقای دکتر بقایی و آقای حسین مکی در ملاقاتی که در منزل حاج محمود آقایی با بنده از زمان نخست‌وزیری و حیات آقای تیمسار رزم‌آرا با بنده کردند صراحتاً این رأی را بیان نمودند و نیز سایر آقایان مذکور جبهه ملی و همچنین آقای شمس قنات‌آبادی و آقای نصرت‌الله کریمی و آقای کریم‌آبادی این رأی مذکور یعنی تجویز از بین بردن تیمسار رزم‌آرا را صریحاً و کراراً بیان می‌کردند و به طور کلی آرای افراد جبهه ملی در این باره یکی بود و آقای کاشـانی هم در منزل حاج ابوالقاسـم رفیعی صراحتاً این رأی را پیش روی بنده و آقای حاج سیدهاشم حسینی بیان کردند و سایر آقایان مذکور هم به شـرحی که عرض شده بود کمک می‌کردند و تجویز می‌کردند». آیت‌الله کاشـانی حتی هنگام دستگیری هم از قتل رزم‌آرا دفاع کرد. کشته شدن رزم‌آرا راه ملی شدن صنعت نفت ایران را هموار ساخت. از این روی پس از قتل رزم‌آرا، آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای در رابطه با قتل او چنین اظهارنظر کرد: «این عمل هلاکت رزم‌آرا به نفع ملت ایـران بود و آن گلوله و ضربه عالی‌ترین و مفیدترین ضربه‌ای بود که به پیکر استعمار و دشمنان ملت ایران وارد آمد». همچنین آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای دیگر، ممانعت رزم‌آرا از ملی شدن نفت ایران را وابسـتگی و حمایتش از استعمارگری انگلیس در ایران دانست و همین را موجب قتل وی شمرد و اظهار داشت: «نخست‌وزیر مقتول در زمان حیات خود از منافع شرکت نفت جنوب و سیاست استعماری انگلسـتان بشدت حمایت می‌کرد. چون عموم طبقات مردم ایران با تصمیم قطعی و خلل‌ناپذیری برای کوتاه کردن دست طمع سیاست استعماری نفت جنوب قیام کرده بودند، پافشاری رزم‌آرا برای مقاومت در مقابـل افکار عمومی ملت ایران و حمایت از شـرکت نفت باعث خشـم شدید و عمومی مرم ایران گردید و جوانی غیور، وطن‌پرست و متدین از میان مردم ایران برخاست و نخست‌وزیر بیگانه‌پرست را به جزای اعمال خود رسانید...» یک هفته پس از ترور رزم‌آرا مجلس به ملی شدن صنعت نفت ایران رأی داد. پس از ترور رزم‌آرا، حسین علا نخست‌وزیر و در تهران حکومت نظامی برقرار شد. علا برای تعقیب و بازداشـت فداییان اسـلام اقدام کرد. اندکی بعد در اوایل سال ۱۳۳۰ دکتر مصدق به نخست‌وزیری رسید. با روی کار آمدن مصدق، نواب صفوی هم دستگیر و زندانی شد.

■ **روند نخست‌وزیری مصدق**

با قتل رزم‌آرا مهم‌ترین مسـاله کشـور انتخاب نخست‌وزیر بعد از وی بـود. پس از مذاکرات بین شـاه و دربار و جبهه ملی، توافق بر سر نخست‌وزیری حسـین علا حاصل و وی نخست‌وزیر شد. لیکن نخسـت‌وزیری او با مخالفت فداییان اسـلام که او را عامل انگلیس می‌دانستند، روبه‌رو شد و به همین دلیل سرکوب و بازداشت اعضای فداییان اسـلام توسـط دولت علا آغاز شد. با تصویب قاطع طرح ۹ ماده‌ای مربوط به اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مبنی بر خلع ید از شرکت نفت جنوب در کمیسیون نفت مجلس شورای ملی، حسین علا خود را مقابل عمل انجام‌شـده کمیسیون نفت مجلس دید و راه واگذاری مجدد منابع نفتی کشـورمان به انگلیس را مسدود یافت. از این روی حسین علا چون نتوانست مأموریت انگلیسی خود را انجام دهد، اردیبهشـت ۱۳۳۰ مجبور به استعفا شد. با کناره‌گیری دولت علا، زمینه لازم برای تشـکیل دولت مصدق و روی کار آمدن جبهه ملی فراهم شـد. ابتدا زمزمه‌هایی به گوش رسید که سیدضیاءالدین طباطبایی نامزد بعدی شـاه برای نخست‌وزیری است. او هم در واقع برگزیده دولت انگلسـتان بـود. او پیش از این خدمـات ارزنده‌ای به انگلسـتان کرده بود اما در روز هفتم اردیبهشت، جمال امامی، رهبر اکثریت مجلس و یکی از حامیان انگلیس در مجلس شـورای ملی، پیشـنهاد نخسـت‌وزیری مصدق را در صحن مجلـس مطرح کرد. او واقعاً قصد نداشـت مصدق نخست‌وزیر شود بلکه با این تصور که مصدق نخواهد پذیرفت، او را پیشـنهاد کرد اما مصدق پذیرفت و با رأی نمایندگان مجلس به نخست‌وزیری رسید. با تشکیل دولت ملی، نحوه انتخاب اعضای هیأت دولت از سوی دکتر مصدق، مورد اعتراض برخی افراد قـرار گرفت. از جمله عبدالقدیر آزاد که از اعضای جبهه ملی و مخالف ترکیب هیأت دولـت بود، با کناره‌گیری از این جبهه اظهار داشت مصدق در انتخاب وزیران کابینه خود، به طبقه نوکرهای انگلیس متوسل شده است تا موضوع خلع ید از شرکت نفت را به نفع انگلیسی‌ها تمام کند. دولت مصدق ۳۰ مهرماه ۱۳۳۰ رابطه ایران با دولت انگلیس را قطع کرد و جاسوسـان و توطئه‌گران وابسته به آن دولـت را با خفـت و خواری از ایران بیرون رانـد. اما خود مصدق در برخـورد و تعامل با عوامل انگلیس و دربار با قاطعیت عمل نمی‌کرد و همین موجب نگرانی و احیاناً بدبینی نیروهای پرشور فداییان اسلام شـده بود که خواهان اقدامات قاطع در برابر خارجیان و پیاده کردن اصول و مبانی مذهبی در کشور بودند.

■ **مواضع ضدانگلیسی فداییان اسلام**

فداییان اسـلام ۲۵ مـرداد ۱۳۳۰ در زمـان دولت دکتر مصدق تظاهراتی برای قطع دسـت اسـتعمار انگلیس برگزار کرد ولی این تظاهرات از سوی مأموران دولتی سرکوب و اعضای آن مورد ضرب و جرح قرار گرفته و بازداشت شدند. صرافان که یکی از اعضای فداییان اسلام و برگزارکننده تظاهرات بود، گفت: «یک صف مقتدر دینی متکی به خدا هسـتیم. می‌خواهیم با برادران مسـلمان خود، از اوامر خدا و دین خدا سخن گفته، از تحریکاتی که به‌وسیله اجانب پست و پلید و نوکران بی‌شرم‌شـان علیه این ملت مسلمان صورت می‌گیرد، پرده برداشته، نسبت به گستاخی انگلسـتان استعمارگر ابراز تنفر کنیم. شما حق ندارید اصولاً نسبت به اجتماع ما اظهارنظری کنید. مسجد خانه خداست و اختیار خانه خدا در دست شما نیست». گزارش‌های شهربانی حاکی است فداییان اسلام قصد داشته‌اند به دلیل احساس سازشـکاری دولت مصدق و به دنبال اظهارنظرهایی درباره خلع ید، ایـن تظاهرات را صورت دهند. آنان می‌خواسـتند از این طریق تنفر خود را از پیشـنهادهای استعماری انگلستان اعلام کنند. لیکن این تظاهرات با برخورد پلیسی دولت روبه‌رو و سرکوب شد. با این فشارها فداییان اسلام از مبارزه خود با انگلیس دست برنداشتند و به همین دلیل رویاروی دولت مصدق قرار گرفتند. طبق گزارش تقی و قاسـم سماورسازان، از مأموران مخفی شهربانی، نواب صفوی در جلسه فداییان اسلام در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۲ در منزل نیکونژاد، طی سخنانی علیه وابستگی دولتیان به آمریکا و انگلیس اظهار داشت: «دشمنان خدا و قرآن که فعلاً عضو دولت می‌باشـند مانع ترقی دین اسلام می‌باشند و این آقایان به دولت آمریکا و انگلیس وابسـته‌اند. برادران! فکری به حال این دولتی‌ها بنمایید.» نواب در جلسه فداییان اسلام در مسجد محمودیه هم پیرامون نطق یکی از نمایندگان مجلس و مخالف بودن فداییان اسلام با حضور روسیه در کشورمان گفت: «... یکی از سخنگویان فراکسیون در نطق امروز خود گفت که باید آمریکا و انگلیس از مملکت ما خارج شوند ولی از همسایه شمالی ما سخنی نگفت که باید آنها هم بروند یا نه! آقای نماینده باید گفت که اجنبی برای هر فرد ایرانی اجنبی می‌باشد». رهبر فداییان اسلام در سخنرانی خود در ۳۰ اردیبهشت ۳۲ در منزل نیکونژاد، درباره برخورد با وابستگان به انگلیس چنین گفت: «بشر یک دفعه به دنیا آمده و یک دفعه از دنیا می‌رود. باید انگلستان و انگلیسی‌پرست‌ها را که مقام دولتی اشغال کرده‌اند، از بین برد. نترسید هر دسـتوری که از طرف برادران فداییان اسلام به شما داده می‌شود اجرا کنید». سیدعبدالحسین واحدی، نفر دوم فداییان اسلام هم در سخنرانی در مسجد جامع چنین گفت: «یا باید دولت ما را بکشد یا دشمنان دین را خواهیم کشت. ما حاضریم برای کشته شدن و از هیچ چیزی نمی‌هراسـیم و به دستور کسی هم صحبت نمی‌کنیم. مانند دولت نه با آمریکا و نه با روس و نه با انگلیس، سـازش نخواهیم کرد. با دشمنان دین تا جان داریم جنگ می‌کنیم». عبدالحسین واحدی همچنین در سخنرانی‌اش دولت مصدق را به دلیل اجرا نکردن احکام دینی مورد حمله قرار داد و به انگلیسی بودن متهم کرد و افزود: «این چه مملکت اسـلامی اسـت که روزنامه‌های آن، دین و کلیه رهبران دینی را مسـخره می‌کنند؟ چرا دولت اجازه می‌دهد علیه دین اسلام چیز بنویسند؟ آقایان! دولت خودش از دین خارج است. کشوری که فرهنگ آن اصلاح نشود همین طور است و بدتر هم خواهد شد. اصلاً این دولت غشی، دیوانه شده است و عامل اصلی انگلستان است». با چنین مقاومت‌ها و پافشاری‌های جمعیت فداییان اسلام برای خروج استعمارگران از کشور و اجرای احکام اسلامی بود که در دولت مصدق، فداییان اسلام بازداشت، زندانی و سپس تعدادی از آنها به بندرعباس تبعید شدند. البته در مرداد ۱۳۳۱ ماده واحده‌ای به تصویب مجلس رسید که «چون خیانت حاجیعلی رزم‌آرا بر ملت ایران ثابت گردیده، هرگاه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد، به موجب این قانون مورد عفو قرار گرفت». سرانجام در ۲۳ آبان همان سال، طهماسبی هم پس از ۲ سال و اندی از قتل رزم‌آرا از زندان آزاد شد. آیت‌الله کاشانی در پی آزادی شهید خلیل طهماسبی او را به‌عنوان «شمشیر بران اسلام» و «مجری اراده افکار ملت ایران» مورد ستایش قرار داد.

منبع: سومین همایش ایران و استعمار انگلیس، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی